

۲۵۰۰ لغت و عبارت پایه در زبان انگلیسی

شامل تمامی واژگان و عبارات مقاطع هفتم تا دوازدهم متوسطه
(قابل استفاده برای دانش آموزان و داوطلبین کنکور سراسری)

گردآوری و تدوین: علیرضا اژدرپور

مدرس و مترجم زبان انگلیسی

فارغ التحصیل از دانشگاه گیلان - رشت

This page is left blank intentionally

A

A	حرف تعریف نامعین
Abandon	ترک کردن، کنار گذاشتن
Abbreviation	مخفف
Ability	توانایی
Able	توانا
Abnormal	غیرعادی
Abort	صرفنظر کردن، انصراف دادن
About	درباره، مربوط به، تقریباً
Above	بالا
Above all	مهمتر از همه
Abroad	خارج از کشور
Abrupt	ناگهان
Abruptly	ناگهانی، ناگهان
Absence	غیبت
Absent	غایب
Absolute	قطعی
Absolutely	قطعاً
Absorb	جذب کردن
Absurd	پوچ، بی معنی، بیهوده
Abuse	سوء استفاده، سوء استفاده کردن
Academy	آکادمی
Accelerate	شتاب دادن، بر سرعت افزودن
Accelerator	تسریع کننده، (اتومبیل) پدال گاز
Accept	قبول کردن

Acceptable	قابل قبول
Access	دسترسی داشتن
Accessible	قابل دسترس
Accident	تصادف
Accomplish	به اتمام رساندن، انجام دادن
According to	براساس، برطبق
Account	حساب
Accountant	حسابدار
Accuracy	دقت
Accurate	دقیق
Ache	درد
Across	آن طرف
Act	عمل کردن، اقدام کردن
Action	عمل، اقدام
Activate	فعال کردن
Active	فعال
Activity	فعالیت، فعال بودن
Actor	بازیگر مرد
Actress	بازیگر زن
Actual	واقعی
Actually	در واقع
A.D.	(سال) بعد از میلاد مسیح
Ad	آگهی، تبلیغات
Adapt	وفق دادن، جور کردن
Add	اضافه کردن
Addicted	معتاد

Addiction	اعتیاد	Against	متضاد، برخلاف، بر علیه
Address	آدرس، خطاب کردن	Age	سن، عصر، دوره
Addressee	مخاطب	Agency	آژانس
Adequate	کافی	Agent	نماینده
Admire	تحسین کردن	Agree [with]	موافقت کردن با
Admit	قبول کردن، موافقت کردن	Agree on/about	توافق کردن (بر سر)
Adolescent	نوجوان	Agreement	توافق، تفاهم
Advance	پیشرفت کردن، پیشروی کردن	Agriculture	کشاورزی
Advanced	پیشرفته	Aid	کمک
Advantage	مزیت	Air	هوا
Advantageous	برتر، به صرفه، مفید	Air flow	جریان هوا
Adventure	ماجراجویی	Airline	خط هوایی
Adventurer	ماجراجو	Airplane (aeroplane)	هواپیما
Adventurous	پرحادثه	Airport	فرودگاه
Advertisement	آگهی، تبلیغات	Alarm	هشدار
Advice	توصیه، توصیه کردن	Alarm clock	ساعت شماطه دار
Advisor	مشاور	All	همه، تمام
Advocate	وکیل مدافع، دفاع کردن	Allah	الله (خدا در اسلام)
Affect	تأثیر گذاشتن	All day long	تمام طول روز
Affection	محبت	Alley	کوچه، خیابان
Affirm	تأیید کردن	All of a sudden	ناگهان
Africa	(قاره) آفریقا	All over	در تمام
African	آفریقایی	Allow	اجازه دادن
After	بعد از	Alone	تنها، بی کسی
Afternoon	بعد از ظهر	Along	همراه با
Again	دوباره	A long time	زمان طولانی

A lot	زیاد، بسیار	Antonym	متضاد
Alphabet	حروف الفبا	Any	هیچ، هر
Also	همچنین	Anybody	هیچکس، هر کس
Although	اگرچه، با وجود اینکه	Anymore	بیش از این، دیگر
Altogether	همه با هم	Anything	هیچ چیز، هر چیز
Aloud	با صدای بلند	Anyway	به هر حال، در هر صورت
Always	همیشه، همواره	Anywhere	هیچ جا، هر جا
a.m.	(ساعت) صبح، قبل از ظهر	Anytime	در هیچ زمان، هر زمان
Am (to be)	هستم	Anxiety	نگرانی، اضطراب
Amazing	جالب، سرگرم کننده	Anxious	نگران، مضطرب
America	(کشور/قاره) آمریکا	Apartment	آپارتمان
American	آمریکایی	Apparent	آشکار، معلوم
Among	در بین	Apparently	به طور واضح، ظاهراً
Amount	مقدار	Appear	ظاهر شدن
Amused	سرگرم شده	Appearance	ظاهر
Amusing	سرگرم کننده، مفرح	Apple	سیب
An	حرف تعریف نامعین	Appointment	قرار ملاقات
Ancient	قدیمی، باستانی	Appreciate	قدردانی کردن
And	(حرف ربط) و	Appreciation	قدردانی، تشکر
Angry	عصبانی	Appropriate	مناسب، درخور
Ankle	قوزک پا	April	آوریل (چهارمین ماه میلادی)
Animal	حیوان	Architect	معمار
Annoy	اذیت کردن، آزار دادن	Architecture	معماری
Another	یکی دیگر	Are (to be)	هستیم، هستی، هستید، هستند
Answer	پاسخ، پاسخ دادن	Area	منطقه
Ant	مورچه	Argue	بحث کردن، دعوا کردن

Argument	بحث، استدلال	As soon as	به محض اینکه
Arm	دست	Assume	فرض کردن
Armchair	صندلی	Astronaut	فضانورد، ستاره‌شناس
Army	ارتش، نیروهای نظامی	As well	همچنین، همینطور، هکذا
Around	حدود، اطراف	As well as	همچنین، مانند
Arrange	مرتب کردن، تنظیم کردن	Asylum	پناهگاه
Arrangement	تنظیم، چینش	At	(زمان، مکان) در
Arrive	رسیدن	At all	اصلاً
Art	هنر	Athlete	ورزشکار
Article	مقاله	At last	بالاخره، نهایتاً
Artificial	مصنوعی	At least	حداقل
Artist	هنرمند	Atmosphere	فضا، جو
Artistic	هنری	Attach	ضمیمه کردن
As	به عنوان	Attack	حمله کردن
As...as	مقایسه دو چیز	Attend	شرکت کردن، توجه کردن
Ashamed of	خجالت زده از، شرمنده از	Attention	توجه
Asia	(قاره) آسیا	Attract	جذب کردن
Asian	آسیایی	Attractive	جذاب، زیبا
Aside	به کنار	Audience	شنونده، مخاطب
Ask	پرسیدن، سؤال کردن	August	آگوست، اوت (هشتمین ماه میلادی)
Asleep	خوابیده	Aunt	عمه، خاله، زن‌عمو، زن‌دایی
As long as	مادام که، تا زمانی که	Author	نویسنده، مؤلف
Aspect	جنبه، لحاظ	Autumn	(فصل) پاییز
Assist	کمک کردن	Available	در دسترس
Assistant	دستیار	Avoid	دوری کردن، اجتناب کردن
As long as	مادام که، تا زمانی که	Awake	بیدار، هشیار

Award	جایزه، پاداش
Aware	آگاه، مطلع، هشیار
Away	دور

.....

B

B.A. (Bachelors of Art) مدرک لیسانس در رشته های علوم انسانی

Baby	نوزاد
Baby-sitter	پرستار بچه

B.C. (سال) قبل از میلاد مسیح

Back پشت، کمر

Backache کمردرد

Backbite غیبت کردن

Background پیش زمینه، سابقه

Bad (adj.) بد، نامساعد

Badly (adv.) به بدی

Bag کیف، کیسه

Bake پختن

Baker نانوا

Balance تعادل

Ball توپ

Banana موز

Barber آرایشگر مرد

Barbershop آرایشگاه مردانه

Bare لخت، عریان

Bargain چانه زدن

Base پایه، اساس

Basic اساسی

Basically اساساً

Basis اساس

Basket سبد

Basketball بسکتبال

Bath حمام

Bathe حمام کردن

Bathroom حمام

Bathtub وان حمام

Battle جنگ، نزاع

Battlefield میدان جنگ

(To) be بودن

Be able (to) قادر بودن

Beach ساحل

Be afraid of ترسیدن از

Bear خرس، تحمل کردن

Beautiful زیبا

Beauty زیبایی

Be born به دنیا آمدن

Because چون، زیرا

Become شدن

Bed تخت خواب

Bedroom اتاق خواب

Before قبل از

Begin شروع کردن

Beginner مبتدی، آغازگر

Beginning	ابتدا، شروع	Blanket	پتو
Behave	رفتار کردن	Bleed	خونریزی کردن
Behavior	رفتار	Blouse	بلوز
Behind	پشت سر	Blow	دمیدن، فوت کردن
Belief	اعتقاد	Blind	کور، نابینا
Believe	اعتقاد داشتن	Block	بلوک، مسدود کردن
Belong (to)	متعلق بدن (به)، تعلق داشتن (به)	Blood	خون
Bend	خم کردن	Blood pressure	فشار خون
Benefit	سود، منفعت	Bloodshed	جنگ و خونریزی
Beside	در کنار	Blue	آبی
Besides	علاوه بر	Blurred	تار، تیره
(The) best	بهترین	Board	تخته
Bet	شرط بستن	Boat	قایق
Better	بهتر	Body	بدن
Beyond	ماورای، آنسوی	Body language	زبان اشاره
Bicycle	دوچرخه	Boil	جوشیدن
Big	بزرگ	Bone	استخوان
Bike	دوچرخه	Book	کتاب، رزرو کردن
Bill	صورت حساب	Boot	پوتین، چکمه
Billion	(عدد) میلیارد	Bored	کسل، بی حوصله
Bird	پرنده	Boring	کسل کننده
Birth	تولد	Borrow	قرض گرفتن
Birthday	روز تولد	Boss	رییس
[A] bit	کمی، مقدار کمی	Both	هر دو
Black	سیاه	Bother	اذیت کردن
Blacksmith	آهنگر	Bottle	بطری

Bottom	پایین، ته
Bowl	کاسه
Box	جعبه
Boxing	مسابقه بوکس
Boy	پسر
Brake	تُرْمَز
Brain	مغز
Branch	شاخه، شاخه درخت، شعبه
Brave	شجاع
Bread	نان
Break	فراغت، وقت استراحت، شکستن
Breakfast	صبحانه
Breath	نفس
Breathe	نفس کشیدن
Brick	آجر
Bridge	پُل
Brief	خلاصه، مختصر
Bright	روشن
Bring	آوردن
Bring back	پس آوردن، برگرداندن
Broke (<i>past. Break</i>)	
Brother	برادر
Brotherhood	برادری
Brother-in-law	برادر شوهر، برادر زن، شوهر خواهر، باجناق
Brown	(رنگ) قهوه‌ای
Brush	شانه کردن

B.S. – BSc (Bachelors of Science)

مدرک لیسانس در رشته‌های فنی مهندسی

Build	ساختن
Building	ساختمان
Bulb	حباب
Bull	گاو نر
Burn	سوختن، سوزاندن
Bus	اتوبوس
Bus stop	ایستگاه اتوبوس
Business	تجارت
Businessman	تاجر
Butcher	قصاب
Butcher's	قصابی
But	اما، به جز، به استثنای
Butter	کره
Butterfly	پروانه
Button	دکمه
Buy	خریدن
By	با، بوسیله
Bye	خداحافظ
By oneself	به تنهایی

.....

C

Café	کافه
Cage	قفس
Call	زنگ زدن، صدا کردن

Calligraphy	خطاطی، خوش نویسی	Carrot	هویج
Calm	آرام	Carry	حمل کردن
Camel	شتر	Cart	گاری
Camera	دوربین	Carton	جعبه
Cameraman	عکاس، فیلمبردار	Cartoon	کارتون، برنامه کودک
Can (n.)	قوطی	Case	مسئله، وضعیت
Can (aux. v.)	فعل کمکی به معنای توانستن	Cash	پول نقد، نقد کردن
Canal	کانال	Cashier	صندوقدار
Candle	شمع	Cat	گربه
Candy	شکلات، شیرینی	Catalog	کاتالوگ
Capability	استعداد، صلاحیت	Catch	گرفتن
Capable	توانا، لایق، صالح	Catch cold	سرما خوردن
Capacity	گنجایش، ظرفیت	Catholic	کاتولیک
Capital city	پایتخت	Cause	علت، سبب، باعث شدن
Capital punishment	حکم اعدام	Cave	غار
Captain	کاپیتان، ناخدا، (درجه نظامی) سروان	Cavity	حفره، گودال، پوسیدگی دندان
Capsize	واژگون شدن	Celebrate	جشن گرفتن
Car	اتومبیل	Celebration	جشن
Card	کارت	Celebrity	شخصیت معروف
Care	مراقبت کردن، اهمیت دادن	Cell	سلول
Careful	مراقب، محتاط	Celsius (C)	سلسیوس (واحد دما)
Carefulness	احتیاط	Center (centre)	مرکز
Careless	بی احتیاط	Centimeter (cm)	سانتی متر (واحد طول)
Carelessness	بی احتیاطی	Central	مرکزی
Carpenter	نجار	Century	قرن، سده
Carpet	فرش	Ceremony	جشن، مراسم

Certain	قطعی	Choose	انتخاب کردن
Certainly	قطعاً	Christ	حضرت عیسی مسیح
Chair	صندلی	Christian	مسیحی، تابع دین مسیحیت
Chairman	رییس	Christianity	(دین) مسیحیت
Change	پول خرد، تغییر دادن	Church	کلیسا
Change [into]	تبدیل شدن (به)	Circle	دایره، دایره کشیدن
Channel	شبکه، کانال تلویزیونی	Circumstance	محیط، شرایط
Character	شخصیت	City	شهر
Characteristic	ویژگی	Civil	شهری
Charge	شارژ کردن	Clap	دست زدن، تشویق کردن
Charity	خیریه	Clean	تمیز، تمیز کردن
Chase	تعقیب کردن	Clear	واضح، پاک کردن
Chat	حرف زدن، گپ زدن	Clergyman	روحانی
Cheap	ارزان	Clerk	فروشنده، کارمند
Cheerful	شاد، خوشحال	Clever	باهوش
Check	بررسی کردن	Climate	آب و هوا
Check in	(هتل و غیره) معرفی خود در قسمت پذیرش	Climb (up/down)	بالا رفتن یا پایین آمدن (از)
Cheese	پنیر	Clock	ساعت
Chemistry	شیمی	Close (adj.)	نزدیک
Chemical	شیمیایی	Close (v.)	بستن
Chest	سینه	Closed (adj.)	بسته
Chicken	مرغ	Closet	کمد
Child	کودک	Cloth	لباس، پارچه
Children	کودکان	Cloud	ابر
Chocolate	شکلات	Cloudy	ابری
Choice	گزینه	Clown	دلقک

Clue	سرنخ، علامت
Clutch	پدال کلاچ اتومبیل
Coach	مربی، اتوبوس
Coal	زغال
Coat	کُت
Coconut	نارگیل
Coherence	پیوستگی و ارتباط مطالب
Coherent	مرتبط، پیوسته
Coin	سکه
Cold	سرد، سرماخوردگی
Colleague	همکار
Collect	جمع آوری کردن
Collection	کلکسیون
College	دانشگاه، دانشکده
Colon (:)	دو نقطه
Colonel	(درجه نظامی) سرهنگ
Color (colour)	رنگ، رنگی، رنگ کردن
Colorful	رنگارنگ
Comb	شانه سر، شانه کردن مو
Combination	ترکیب
Combine	ترکیب کردن
Come	آمدن
Come back	برگشتن
Comedy	کمدی، طنز
Comedian	کمدین، طنز پرداز
Come to an end	به پایان رسیدن، به نتیجه رسیدن

Comfort	راحتی
Comfortable	راحت
Comment	نظر، نظر دادن
Common	عادی، معمول
Communicate	ارتباط برقرار کردن
Communication	ارتباط
Community	اجتماع
Company	شرکت
Compare	مقایسه کردن
Comparison	مقایسه
Compete	رقابت کردن
Competition	رقابت
Complain	شکایت کردن، اعتراض کردن
Complaint	شکایت، دادخواهی
Complete	کامل، کامل کردن
Completely	کاملاً
Complex	پیچیده
Complexity	پیچیدگی
Complicated	پیچیده
Compose	ساختن
Composition	ساخت، ترکیب
Comprehend	درک کردن
Comprehension	درک
Compress	فشردن، خلاصه کردن
Compute	حساب کردن
Computer	کامپیوتر

Concentrate	تمرکز کردن	Continent	قاره
Concentration	تمرکز	Continuation	ادامه
Concern	نگران بودن، اهمیت داشتن	Continue	ادامه دادن
Concerned	نگران، علاقمند	Continuous	ادامه دار
Concerning	درباره، درباب	Contrast	تضاد، مقایسه کردن
Conclude	نتیجه گرفتن	Control	کنترل کردن
Conclusion	نتیجه	Convention	معاهده، عهدنامه
Concurrent	همزمان، متقارن	Conversation	مکالمه
Concurrently	یکجا، با هم	Convert	تبدیل کردن
Condition	شرایط، وضعیت	Cook	آشپز، پختن
Conditional	شرطی	Cookie	کلوچه
Confident	مطمئن	Cool	خنک
Confused	سردرگم	Consult	همفکری کردن، مشورت کردن
Confusing	گیج کننده	Consultation	مشاوره، مشورت
Congratulate	تبریک گفتن	Copy	کپی کردن
Congratulation	تبریک	Core	هسته، (زمین شناسی) هسته زمین
Connect	وصل کردن	Correct	صحیح، درست، تصحیح کردن
Connection	ارتباط	Correction	تصحیح
Conscious	آگاه	Cost	هزینه، هزینه داشتن، هزینه برداشتن
Consist (of)	شامل شدن	Cotton	کتان
Constant	مداوم	Cotton candy	پشمک
Constantly	مدام	Couch potato	(اصطلاحاً) معتاد به تلویزیون
Construct	ساختن، بنا کردن	Could (past. aux. v. Can)	
Construction	ساخت، بنا	Council	شورا
Contact	ارتباط، مخاطب، تماس گرفتن	Count	شمردن
Content	محتوا، راضی، راضی کردن	Countable	قابل شمارش
		Countryman	روستایی

Course	دوره
Courtesy	ادب، نزاکت
Cousin	عمو زاده، دایی زاده، عمه زاده، خاله زاده
Cover	پوشش، کاور، پوشش دادن
Cow	گاو ماده
Craftsman	صنعتگر، هنرمند
Cream	کرم، خامه
Create	ایجاد کردن، ساختن
Creation	خلقت
Creator	خالق
Creature	مخلوق، موجود
Crow	کلاغ
Crowd	انبوه جمعیت
Crowded	پر جمعیت، شلوغ
Crown	تاج قهرمانی، تاج پادشاهی
Cruel	ستمگر، ظالم
Crust	پوسته، (زمین شناسی) پوسته زمین
Cry	گریه، فریاد، ناله، گریه کردن، فریاد زدن
Cultural	فرهنگی
Culture	فرهنگ
Cup	فنجان، کاپ
Cure	درمان کردن، علاج کردن
Curtain	پرده
Custom	آداب و رسوم
Cut	بریدن، قطع کردن
Cute	زیبا، ناز

Cycle	سیکل، دوره
Cycling	دوچرخه سواری

.....

D

Daily	روزانه
Damage	صدمه، آسیب، آسیب زدن
Dance	رقصیدن
Dancer	رقاص
Danger	خطر
Dangerous	خطرناک
Dark	تاریک
Dashboard	داشبورد اتومبیل
Date	تاریخ، ملاقات کردن
Dating	ملاقات
Daughter	فرزند دختر
Daughter-in-law	عروس
Dawn	طلوع آفتاب، سپیده دم
Day	روز
Daylight	هنگام روز، روشنایی روز
Dead	مرده
Death	مرگ
Death penalty	حکم اعدام
Decade	دهه، هر ده سال
December	دسامبر (دوازدهمین ماه میلادی)
Decide	تصمیم گرفتن
Decision	تصمیم

Decoration	تزئین، زینت	Despite	علی رغم
Decorative	زینتی	Dessert	دسر
Decrease	کاهش یافتن، کاهش دادن	Destination	مقصد
Dedicate	اهدا کردن، وقف کردن	Destiny	سرنوشت، تقدیر
Deep	عمیق، ژرف	Destruct	خراب کردن، ویران کردن
Defend	دفاع کردن	Destruction	تخریب
Defender	مدافع	Destructive	مخرب
Define	تعریف کردن، مشخص کردن	Design	طراحی، طراحی کردن
Definition	تعریف	Designer	طراح
Degree	درجه	Destroy	تخریب کردن، نابود کردن
Demonstrate	نشان دادن، ثابت کردن، تظاهرات کردن	Details	جزئیات
Demonstration	تظاهرات	Detect	کشف کردن، یافتن
Density	جرم، غلظت	Detective	کارآگاه
Dentist	دندانپزشک	Determine	تعیین کردن، مشخص کردن
Deny	انکار کردن	Determined	مصمم
Department	دپارتمان، اداره	Develop	پیشرفت کردن
Depend (on)	بستگی داشتن (به)	Developed	پیشرفته، توسعه یافته
Dependent	وابسته	Developing	در حال پیشرفت، در حال توسعه
Depressed	افسرده	Development	پیشرفت، توسعه
Depth	عمق، ژرفا	Device	وسيله
Derive	مشتق شدن (از)	Devil	شیطان
Describe	توصیف کردن، توضیح دادن	Devilish	شیطانی
Description	توصیف، توضیح	Devote	اختصاص دادن
Desert	صحرا	Dialog (dialogue)	مکالمه
Desirable	مرغوب، مطلوب	Dictionary	فرهنگ نامه، دیکسیونر
Desire	خواسته، میل، خواستن	Die	مُردن

Diet	رژیم غذایی	Diverse	متنوع، مختلف
Differ	تفاوت داشتن	Diversity	تنوع
Difference	تفاوت	Divorced	مطلقه، طلاق گرفته
Different	متفاوت	Do (does) (aux. v.)	فعل کمکی که در زمان حال ساده برای سوالی کردن (در معنای آیا) و همچنین منفی سازی جملات استفاده می شود.
Difficult	سخت، مشکل	Do (does) (v.)	انجام دادن
Dinner	شام	Do (sb.) a favor	در حق (کسی) لطف کردن
Direct	هدایت کردن، مستقیم	Doctor (Dr.)	دکتر
Directly	مستقیماً	Document	سند، مدرک
Director	کارگردان	Documentary	(فیلم سازی) مستند
Disappoint	ناامید کردن، مأیوس کردن	Dog	سگ
(Get/Be) disappointed	ناامید شدن	Dogmatism	کوتاه فکری
Disappointing	ناامید کننده	Doll	عروسک
Discipline	نظم	Dollar	(واحد ارز) دلار
Discount	تخفیف	Domestic	خانگی
Discover	کشف کردن	Donkey	خر، الاغ
Discuss	بحث کردن	Down	پایین
Discussion	بحث	Downstairs	طبقه پایین
Dish	ظرف، بشقاب	Downtown	مرکز شهر
Dislike	دوست نداشتن	Draft	پیش نویس
Disease	بیماری	Drama	نمایش نامه
Disagree	مخالف کردن	Dramatic	چشمگیر، مهیج
Disorder	بی نظمی، اختلال	Draw	رسم کردن، نقاشی کشیدن
Distance	فاصله	Drawer	نقاش، (کمد) کشو
Distant	دور	Drawing	نقاشی
Distract	حواس (کسی) را پرت کردن	Dream	رویای خواب، خواب دیدن
Disturb	مزاحم شدن، آشفته کردن		

Dress	لباس (زنانه)
Drink	نوشیدن
Drive	راندن (اتومبیل)
Driver	راننده
Drop	قطره، انداختن، رها کردن
Drug	دارو، مواد مخدر
Dual	دوگانه
Duck	اردک
Dude (infl.)	رفیق، دوست
During	در طول مدت، در طی
Dusk	هنگام غروب
Dust	گرد و غبار
Duty	وظیفه

E

Each	هر
Each other	همدیگر، به یکدیگر
Ear	گوش
Early	زود
Earn	کسب کردن، پول درآوردن
Earring	گوشواره
Earth	زمین
Earthquake	زمین لرزه
Ease	راحتی، سهولت
East	شرق
Eastern	اهل یا مربوط به شرق

Easy	آسان، راحت
Eat	خوردن
Eau de cologne	آدکلن
Eau de toilette	آدکلن
Economy	اقتصادی
Edible	خوردنی، قابل خوردن
Educate	تحصیل کردن
Educated	تحصیل کرده
Education	تحصیلات
Effect (n.)	تأثیر
Effective	مؤثر
Efficient	کارآمد
Egg	تخم مرغ
Eight	(عدد) هشت
Eighteen	(عدد) هجده
Eighty	(عدد) هشتاد
Elbow	آرنج
Electrician	برق کار، سیم کش
Electricity	برق، الکتریسیته
Electronic	الکترونیکی، برقی
Element	عامل اصلی، المان، عنصر
Elementary	ابتدایی
Elephant	فیل
Elevator	آسانسور
Eleven	یازده
Else	دیگر

Email	نامه الکترونیکی، ایمیل
Email address	آدرس ایمیل، نشانی اینترنتی
Embarrassed	خجالت زده، دست پاچه
Embarrassing	خجالت آور، باعث خجالت
Emergency	اورژانس
Emotion	احساسات
Emotional	احساساتی
Emotionless	بی احساس
Emphasis	تأکید
Emphasize (emphasise)	تأکید کردن
Emphatic	تأکیدی
Employ	استخدام کردن
Employee	کارمند
Employer	کارفرما
Employment	استخدام
Empty	خالی، خالی کردن
Encourage	تشویق کردن، ترغیب کردن
Encouraging	ترغیب کننده
End	پایان، هدف، پایان یافتن، پایان دادن
Endanger	در خطر انداختن
Endeavour	تلاش کردن، تلاش
Enemy	دشمن
Energy	انرژی
Energetic	پرانرژی
Engage	درگیر شدن، به کار گماشتن، نامزد کردن (با کسی)
Engine	موتور

Engineer	مهندس
Englishman	انگلیسی، اهل بریتانیا
Enhance	بالا بردن
Enjoy	لذت بردن
Enjoyable	مفرح، لذت بخش
Enmity	دشمنی
Enough	کافی
Enrich	غنی کردن
Ensure	مطمئن کردن، تضمین کردن
Enter	وارد کردن، وارد شدن
Entertainment	تفریح، سرگرمی
Entrance	ورودی
Envelope	پاکت نامه
Environment	محیط، محیط زیست
Environmental	محیطی، مربوط به محیط زیست
Equal	برابر
Equivalent	معادل
Era	دوره، زمان، عصر
Err	خطا کردن، اشتباه کردن
Error	خطا، اشتباه
Escape	فرار کردن
Especial	مخصوص
Epecially	مخصوصاً
Essential	اساسی
Estimate	تخمین زدن
Europe	قاره اروپا

European	اروپایی	Exclusive	انحصاری
Evaluate	ارزیابی کردن	Exercise	تمرین، تمرین کردن، ورزش کردن
Eve	شب، شامگاه	Exhibit	نمایش دادن
Even	حتی، عدد زوج	Exhibition	نمایش، ارائه، نمایشگاه
Evening	عصر، شب	Exist	وجود داشتن
Event	واقعه، اتفاق	Existence	وجود
Eventual	نهایت	Expect	انتظار داشتن، توقع داشتن
Eventually	نهایتاً، بالاخره	Expectation	انتظار، توقع
Ever	همیشه، همواره، هیچوقت	Expensive	گران
Everybody	هر کس	Experience	تجربه کردن
Everyone	هر کس	Experiment	آزمایش، آزمایش کردن
Evidence	گواه، مدرک	Experimental	تجربی
Evident	مشهود	Expert	متخصص، ماهر
Evil	شیطانی، بد ذات	Explain	توضیح دادن
Exact	دقیق، درست	Explanation	توضیح
Exactly	دقیقاً	Explode	منفجر شدن
Exam	امتحان	Explore	کاوش کردن
Examination	امتحان	Exploration	کاوش، واکاوی
Examine	امتحان کردن	Explosion	انفجار
Excellent	عالی	Export	صادر کردن
Except	به استثنای، به جز	Express	بیان کردن
Excited	هیجان زده	Expression	بیان، اصطلاح
Excitement	هیجان	Extinct	منقرض شدن
Exciting	هیجان انگیز	Extinction	انقراض
Exclude	مستثنی کردن	Extra	اضافی
Exclusion	استثنا، محرومیت	Extract	استخراج کردن

Extraction	استخراج
Extraordinary	خارق العاده
Extreme	زیاد
Extremity	شدت، انتها
Eye	چشم
Eyebrow	آبرو
Eye contact	ارتباط چشمی
Eyesight	قوه بینایی

.....

F

Face	صورت، چهره، مواجه شدن
Facial	مربوط به صورت
Fact	واقعیت، حقیقت
Factory	کارخانه
Fahrenheit (F)	فارنهایت (واحد دما)
Fail	شکست خوردن، ناکام ماندن
Failure	شکست، ناکامی
Fair	منصفانه، زیبا
Fairy	پری
Fall (down)	(فصل) پاییز، افتادن
Fame	شهرت
Familiar	آشنا
Family	خانواده
Family name	نام خانوادگی
Famous	مشهور، معروف
Far (from)	دور (از)

Farewell	خداحافظ، بدرود
Farm	مزرعه
Farmer	کشاورز
Fashion	مُد
Fashionable	مد روز، شیک
Fast	سریع، به سرعت، روزه گرفتن
Fat	چاق، چربی
Father (dad)	پدر
Father-in-law	پدر زن، پدر شوهر
Fathom	فهمیدن
Fathomable	قابل فهم
Favor	مرحمت کردن
Favorite	مورد علاقه
Fax	فکس، دورنگار
Fax machine	دستگاه فکس
Fear	ترس، ترسیدن
Feather	پر پرند
Feature	ویژگی
February	فوریه (دومین ماه میلادی)
Feed	غذا دادن به
Feet (<i>plural</i> . Foot)	
Feel	احساس کردن
Feeling	احساس
Feel sorry for (sb)	برای کسی احساس تأسف کردن
Feel pity for (sb)	به کسی ترحم کردن
[A] few	تعداد کم
Field	زمینه، زمین

Field of study	رشته تحصیلی	Fist	(بدن) مُشت
Fifteen	(عدد) پانزده	Fit	مناسب، (لباس) برازنده، مناسب بودن، برازنده بودن
Fifty	(عدد) پنجاه	Five	(عدد) پنج
Fight	جنگ، دعوا، جنگیدن، دعوا کردن	Fix	تعمیر کردن، ثابت نگه داشتن
File	پرونده	Fixed	ثابت
Fill	پر کردن	Flag	پرچم
Final	نهایی، آخر	Flat	آپارتمان، مسطح، صاف
Finally	بالاخره، نهایتاً	Flexible	قابل انعطاف، انعطاف پذیر
Finance	مالی، پولی	Flexibility	انعطاف پذیری
Financial	(مربوط به) امورات مالی	Flight	پرواز
Find	پیدا کردن	Flight attendant	مهماندار هواپیما
Find out	کشف کردن، فهمیدن	Float	جاری شدن
Finger	(بدن) انگشت	Floating	جاری
Fingerprint	اثر انگشت	Flood	سیل
Finish	پایان یافتن	Flower	گل
Fire	آتش، آتش زدن، شلیک کردن، اخراج کردن	Flu (influenza)	آنفولانزا
Fire fighter	آتش نشان	Fluency	سلاست
Fireman	آتش نشان	Fluent	سلیس
Fireplace	شومینه	Fly	پرواز کردن، مگس
Fire station	مرکز آتش نشانی	Focus	توجه، توجه کردن
Firm	محکم، استوار	Fog	(آب و هوا) مه
First	اول، اولین	Foggy	مه آلود
First aid	کمک‌های اولیه	Folder	پوشه
First hand	دست اول، نو	Follow	دنبال کردن، دنباله روی کردن
First name	اسم کوچک	Follower	دنباله رو
Fish	ماهی، ماهیگیری کردن	Following	پایینی، بعدی

Fool	دیوانه، احمق
Foolish	احمقانه، خنده دار
Foot	(بدن) پا، (واحد ارتفاع) فوت
Football	فوتبال
For	برای
Forbid	ممنوع کردن
Forbidden	ممنوع
Force	نیرو، مجبور کردن
Forecast	پیش بینی کردن
Foreign	خارج از کشور
Foreigner	خارجی
Forest	جنگل
Forever	برای همیشه
Forget	فراموش کردن
Forgetful	فراموش کار
Forgive	بخشیدن
Fork	چنگال
Form	فرم، تشکیل دادن
Formation	تشکیل
Former	سابق
Fortnight	دو هفته، (یک دوره) دو هفته ای
Fortunate	خوشبخت
Fortunately	خوشبختانه
Fortune	بخت، اقبال
Forty	(عدد) چهل
Forward	به جلو، رو به جلو، پیش

Found 1 (<i>past. Find</i>)	تأسیس کردن
Found 2	
Four	(عدد) چهار
Fourteen	(عدد) چهارده
France	(کشور) فرانسه
Free	آزاد، مستقل
Free day	روز تعطیل
Freedom	آزادی
Freely	آزادانه
French	(زبان) فرانسوی
Frenchman	اهل فرانسه
Frequency	تناوب، فراوانی، فرکانس
Frequent	مکرر
Frequently	بارها، مکرراً
Friday	جمعه
Fried	سرخ کرده
Friend	دوست
Friendly	صمیمانه، دوستانه
Friendship	دوستی
Frightened	ترسیده، وحشت زده
Frog	قورباغه
From	از، اهل
Front	جلو
Fry	سرخ کردن
Fuel	سوخت
Full	پر، سرشار
Full time	تمام وقت

Fun	خوش گذرانی، سرگرمی
Function	کاربرد، کاربرد داشتن
Funny	خنده دار
Further	بیشتر، فراتر
Furthermore	علاوه بر این
Future	آینده

.....

G

Gain	به دست آوردن
Gain weight	چاق شدن
Gallery	گالری، نمایشگاه
Garden	باغ، باغچه
Gardener	باغبان
Gas	گاز، بنزین
Gas station	پمپ بنزین، ایستگاه گاز
Gasoline	گازوئیل، بنزین
Gather	جمع آوری کردن
Gaze	نگاه خیره، خیره شدن
Gear	چرخ دنده، (اتومبیل) دنده
Gearbox	گیربکس اتومبیل
General	عمومی
Generally	عموماً، کلی، کلاً
Gentle	نجیب، ملایم، مهربان
Gentleman	نجیب زاده، آقا
Gentlewoman	بانو، زن نجیب
Geometry	هندسه

German	(زبان) آلمانی
Germany	(کشور) آلمان
Gesture	ژست، حرکات دست و صورت هنگام صحبت
Get	شدن، گرفتن، تهیه کردن، بدست آوردن
Get back	برگشتن
Get in shape	لاغر شدن، اندام خود را ساختن
Get into trouble	به دردسر افتادن
Get lost	گم شدن
Get mixed up	گیج شدن
Get out of	خارج شدن
Get stuck	گیر کردن، گیر افتادن، دچار مشکل شدن
Get up	بلند شدن
Giant	خیلی بزرگ، غول پیکر
Giraffe	زرافه
Girl	دختر
Give	دادن
Give a speech	سخنرانی کردن
Give back	پس دادن
Give up	تسلیم شدن، کنار گذاشتن
Glad	خوشحال
Glass	شیشه، لیوان
Glasses	عینک
Global	جهانی
Glory	شکوه، عظمت
Glorious	باشکوه، مجلل
Go	رفتن

Goal	هدف
Goalkeeper (goalie)	دروازه بان
Go around	چرخیدن (دور چیزی)
Goat	بُز
Go away	دور شدن
Go hungry	گرسنه شدن
God	خدا
Godfather	پدرخوانده
Godmother	مادر خوانده
Gold	طلا، طلایی رنگ
Golden	طلایی
Good	خوب
Good [morning, afternoon, evening, night]	(صبح، بعد از ظهر، عصر، شب) بخیر
Goodbye	خدا حافظ
Good job	آفرین
Good-looking	خوش تیپ، خوش قیافه
Goods	جنس، کالا
Govern	حکومت کردن
Governor	حاکم، فرماندار
Government	حکومت
Grade	نمره، درجه، امتیاز
Grammar	گرامر، دستور زبان
Grandchild	نوه
Granddaughter	نوه دختر
Grandfather (grandpa)	پدربزرگ
Grandmother (grandma)	مادربزرگ

Grandparent	پدربزرگ و مادربزرگ
Grandson	نوه پسر
Grass	چمن
Grave	قبر
Gray	خاکستری
Great	عالی، بزرگ، زیاد
Greatness	بزرگی
Green	سبز
Greengrocer	سبزی فروش
Greengrocery	سبزی فروشی
Greenhouse	گلخانه
Greet	سلام و احوال پرسیدن
Greeting	سلام و احوال پرسیدن
Grocer	بقال، خوار و بار فروش
Grocery store	بقالی، خوار و بار فروشی
Ground	زمین
Group	گروه
Grow	شدن، رشد کردن
Grow up	بزرگ شدن، رشد کردن
Guarantee	ضمانت، ضمانت کردن
Guess	حدس زدن
Guest	مهمان
Guide	راهنما، راهنمایی کردن
Guidance	راهنمایی
Guilt	تقصیر، گناه، جرم
Guilty	گناه کار، مقصر

Gymnastics ژیمناستیک

.....

H

Habit عادت

Habitual برحسب عادت

Had to (*past. have to, has to, must*) باید (گذشته)

Half نصف، نیمه

Half brother برادر ناتنی (فقط از پدر یا از مادر جدا)

Half sister خواهر ناتنی (فقط از پدر یا از مادر جدا)

Hammer چکش

Hand دست، عقربه (ساعت)

Handkerchief (*infl. hanky, hankie*) دستمال

Handle دستگیره

Hang آویزان کردن

Hanger رخت آویز، جا لباسی

Hang out (در مکانی خاص یا با افرادی خاص) وقت (خود را) گذراندن

Happen اتفاق افتادن

Happy شاد، خوشحال

Hard سخت، محکم، به سختی

Hardly به سختی

Hardly ever به ندرت

Hardworking سخت کوش

Harm صدمه، آسیب، آسیب زدن

Harmful مضر

Has (*third person sing. Have*)

Hate متنفر بودن

Hatred نفرت

Have (*aux. v.*)

فعل کمکی جهت صرف فعل در زمان حال کامل و حال کامل استمراری

Have (*v.*) داشتن، خوردن

Have got داشتن

Have to (*has to*) باید، مجبور بودن

He (*subj. pron.*) ضمیر فاعلی به معنای او (مرد)

Head (بدن) سر، (اداره) رئیس

Headache سردرد

Headquarter ساختمان مرکزی

Health سلامتی

Healthy سالم

Hear شنیدن

Hearing حس شنوایی

Heart قلب، مرکز

Heart attack حمله قلبی

Heartbeat ضربان قلب

Heat گرما

Heaven بهشت

Heavy سنگین

Height ارتفاع

Hell جهنم

Hello سلام، الو

Help کمک، کمک کردن

Helpful مفید، کمک کننده

Hen مرغ

Her (obj. pron.)	ضمیر مفعولی به معنای به او، او را (زن)	Hometown	شهر محل تولد
Her (possess. adj.)	صفت مالکی به معنای مال او (زن)	Honest	صادق
Hers (possess. pron.)	ضمیر ملکی به معنای مال او (زن)	Honesty	صداقت
Herself (reflex. pron.)	ضمیر انعکاسی به معنای خودش (زن)	Hope	امید، امیدوار بودن
Hesitate	تأمل کردن، مردد بودن	Hopeful	امیدوار
Hidden	مخفی، پنهان	Horse	اسب
Hide	مخفی کردن، پنهان کردن	Hospitable	مهمان نواز
High	بالا، زیاد	Hospital	بیمارستان
Highly	به شدت	Hospitality	مهمان نوازی
High school	دبیرستان	Host	میزبان
Highway	بزرگراه	Hot	داغ
Him (obj. pron.)	ضمیر مفعولی به معنای به او، او را (مرد)	House	خانه
Himself (reflex. pron.)	ضمیر انعکاسی به معنی خودش (مرد)	Household chores	کارهای خانه
Hint	سرنخ	Housewife	زن خانه دار
Hire	استخدام کردن	How	چگونه
His (possess. adj. & pron.)	صفت و ضمیر ملکی به معنای مال او (مرد)	However	به هر حال
History	تاریخ	How far	چقدر راه است تا؟
Hit	زدن، برخورد کردن	How many?	چند عدد؟
Hobby	سرگرمی	How much?	چه میزان؟ چه مقدار؟ چقدر؟
Hockey	(ورزش) هاکی، چوگان	How often	چند وقت یکبار؟
Hold	نگه داشتن	Human	انسان
Hole	سوراخ، روزنه	Humankind	نوع بشر
Holiday	روز تعطیل	Humid	مرطوب
Holly	مقدس	Humor	شوخی، شوخ طبعی
Home	خانه	Hundred	(عدد) صد
Homeless	بی خانمان	Hunger	گرسنگی

Hungry	گرسنه
Hunt	شکار کردن
Hunter	شکارچی
Hurry	عجله داشتن
Hurry up	عجله کن
Hurt	صدمه، درد، درد داشتن، صدمه زدن
Husband	شوهر
Hut	آلونک، کلبه

.....

I

I (subj. pron.)	ضمیر فاعلی به معنای من
Ice	یخ
Ice-cream	بستنی
Idea	ایده، نظر
Identify	احراز هویت کردن، شناسایی کردن
Identity	هویت
Idiom	اصطلاح
Idol	بت
If	اگر، آیا
Ill	بیمار
Illness	بیماری
Illusion	توهم
Illustrate	روشن کردن، مشخص کردن
Illustrious	مجلل، باشکوه
Image	عکس، تصویر
Imagination	تصور، تخیل

Imaginary	خیالی، فرضی
Imagine	تصور کردن
I'm afraid so	متأسفانه همینطور
Immediacy	فوریت
Immediate	فوری
Immediately	فوراً
Immigrate	مهاجرت کردن
Immigration	مهاجرت
Imperative	امری
Import	وارد کردن
Importance	اهمیت
Important	مهم
Impossibility	عدم امکان، امکان ناپذیری
Impossible	غیرممکن
Impress	تأثیر گذاشتن
Impressive	تأثیرگذار
Imprison	زندانی کردن
Improbability	عدم احتمال
Improbable	غیرمحتمل
Improve	بهبود بخشیدن
Improvise	فی البداهه ساختن
In	(حرف اضافه مکان و زمان) در
In addition to	علاوه بر
Inappropriate	نامناسب، ناشایست
Inbox	صندوق ورودی پیام
In charge	مسئول

Include	شامل شدن	In other words	به عبارت دیگر
Including	شامل	Insect	حشره
Income	درآمد	Insert	وارد کردن
Incomplete	ناقص	Insist	پافشاری کردن
Increase	افزایش دادن، افزایش یافتن	Insistence	پافشاری
Increasing	در حال افزایش	Install	نصب کردن، کار گذاشتن
Independent	مستقل	Instant	لحظه، ثانیه
Indicate	نشان دادن، اشاره کردن به	Instead (of)	به جای
Individual	فردی	Instruct	تعلیم دادن
Industry	صنعت	Instruction	تعلیم، دستور العمل
Industrial	صنعتی	Instrument	ابزار، آلت
In fact	در واقع	Insure	بیمه کردن
Infant	نوزاد	Insurance	بیمه
Inferior	پست، پایین رتبه، پایین تر	Intention	هدف، نیت
Infinite	بی نهایت	Intentional	عمدی
Influence	تأثیر، تأثیر گذاشتن	Intentionally	عمدا
Influential	تأثیرگذار	Interest	علاقه، سود
Inform	مطلع ساختن	Interesting	جالب
Information	اطلاعات	Interchange	جابجا کردن
In front of	در مقابل	Interchangeable	قابل جابجایی
Inhabit	ساکن شدن	International	بین المللی
Inhabitant	ساکن	Internet	اینترنت
Injured	مجروح	Interpret	تفسیر کردن، ترجمه کردن
Injury	درد، زخم، جراحت	Interpreter	مفسر، مترجم
Ink	جوهر	Interview	مصاحبه کردن
Innocent	بی گناه، معصوم	Intimate	صمیمی

Intimately	صمیمانه
Introduce	معرفی کردن
Introduction	معرفی
Invent	اختراع کردن
Invention	اختراع
Invisible	نامرئی
Invitation	دعوت
Invite	دعوت کردن
Involuntary	غیر ارادی، غیر عمدی
Involve	درگیر بودن
Involvement	درگیری، گرفتاری
Iron	آهن، اتو کردن
Irrelevant	غیر مرتبط
Is (to be)	است
Islam	دین اسلام
Issue	مشکل، مسئله
It (subj. & obj. pron.)	
ضمیر فاعلی و مفعولی به ترتیب به معنای او (اشیاء) و به او، او را	
Its (possess. adj. & pron.)	
صفت و ضمیر فاعلی به معنای مال او (اشیاء)	
Itself (reflex. pron.)	ضمیر انعکاسی به معنای خودش
.....	

J

Jacket	ژاکت
Jam	مربا
January	ژانویه (اولین ماه میلادی)

Jar	ظرف مربا
Job	شغل
Jog	آهسته دویدن
Join	ملحق شدن، عضو شدن
Joint	مفصل، محل اتصال، الحاقی
Journey	سفر
Joy	شادی، فرح
Joyful	شاد
Judaism	یهودیت
Judaist	یهودی، تابع دین یهودیت
Judge	قضاوت کردن، قضاوت
Judgment	قضاوت
July	ژوئیه، جولای (هفتمین ماه میلادی)
Jump	پریدن
Junk food	غذای ناسالم
June	ژوئن (ششمین ماه میلادی)
Jungle	جنگل
Just	فقط، اخیراً، عادل، منصف
Juvenile	نوجوان
.....	

K

Keen	تیز، مشتاق
Keep	نگه داشتن
Keep on	ادامه دادن
Keep one's self-respect	احترام خود را نگه داشتن
Kettle	کتری

Kick	لگد زدن، ضربه زدن
Kid	بچه، کودک
Kill	کشتن
Killer	قاتل
Kilometer (km)	کیلومتر (واحد طول)
Kind	مهربان، نوع
Kindergarten	مهد کودک
King	پادشاه
Kiss	بوسه، بوسیدن
Knee	زانو
Knife	چاقو
Knock (at)	در زدن
Know	دانستن، شناختن
Knowledge	دانش، شناخت

L

Laboratory (lab)	آزمایشگاه
Lady	بانو، خانم
Lake	دریاچه
Lamb	بره
Lamp	لامپ
Land	زمین، فرود آمدن (هواپیما)
Landing	فرود هواپیما
Language	زبان
Large	بزرگ
Last	آخرین، پیشین

Last name	نام خانوادگی
Late	دیر
Lately	اخیراً
Later	بعداً
Launch	شروع کردن، پرتاب کردن
Laugh (at)	خندیدن، مسخره کردن
Laughter	خنده
Law	(رشته تحصیلی) حقوق، قانون
Lawyer	وکیل
Lay	قرار دادن
Layer	لایه
Lazy	تنبل
Lead	رهبری کردن
Leader	رهبر، پیشوا
Lean (on)	تکیه دادن
Learn	یاد گرفتن
Learner	یاد گیرنده
Least	پایین ترین، کمترین
Leave	ترک کردن، جا گذاشتن
Left (adj.)	سمت چپ
Left (v.) (past. Leave)	
Leg	پا، (میز) پایه
Legitimacy	مشروعیت، قانونی بودن
Legitimate	مشروع، قانونی، بر حق
Leisure	فراغت، تفریح
Leisure time	اوقات فراغت
Lemon	لیمو

Lend	قرض دادن	Listener	شنونده
Length	طول، درازا	[A] little	مقدار کم
Leopard	پلنگ	Lit (<i>past. Light</i>)	
Less	کمتر	Live (adj.)	زنده
Lessen	کمتر کردن	Live (v.)	زندگی کردن
Lesson	درس	Lizard	مارمولک
Let	اجازه دادن	Loaf	قرص نان
Library	کتابخانه	Loan	وام
Lid	درپوش	Locate	مستقر کردن، جای چیزی را تعیین کردن
Lie	دروغ گفتن، دراز کشیدن	Location	محل
Life	زندگی	Lock	قفل کردن
Lifestyle	سبک زندگی	Log	شاخه درخت
Lift	بالا بردن، آسانسور	Long	دراز، طولانی
Light	نور، چراغ، روشن کردن	Look	نگاه کردن
Lightning	برق، رعد و برق	Look after	مراقبت کردن
Light up	روشن کردن، نورانی کردن	Look for	جستجو کردن
Like	مانند، مثل، دوست داشتن	Loose	گشاد
Lime	لیمو	Loosen	باز کردن کراوات، گشاد کردن، شُل کردن
Limit	حد، محدوده، محدود کردن	Lose	گم کردن، از دست دادن
Limitation	محدودیت	Lose weight	وزن کم کردن
Limited	محدود	Loss	کمبود
Link	ارتباط دادن، مرتبط کردن، وصل کردن	Lost (adj.)	از دست رفته، گم شده
Lion	خط، (حیوان) شیر	Lot (n.)	قُرعه
Liquid	مایع	[A] lot of	زیاد
List	لیست، فهرست، لیست کردن	Lots of	زیاد
Listen	گوش دادن	Lottery	قرعه کشی
		Loud	(صدای) بلند

Love	عشق، عشق ورزیدن، دوست داشتن
Low	کم
Luck	شانس
Luckily	خوشبختانه
Lucky	خوش شانس
Lunch	ناهار
Lung	(بدن) شش

.....

M

M.A. (Masters of Art)

مدرک فوق لیسانس در رشته‌های علوم انسانی

Machine	ماشین، دستگاه
Made (<i>past. Make</i>)	
Magazine	مجله
Magnificent	مجلل، باشکوه
Magnify	بزرگ نمایی کردن
Maid	خدمتکار (زن)
Mail	نامه
Main	مهم، عمده، اصلی
Mainly	عمدتاً
Major	اصلی، عمده، اساسی، (درجه نظامی) سرگرد
Make	ساختن، مجبور کردن
Make a decision	تصمیم گرفتن
Make a difference	تفاوت کردن، فرق داشتن
Make sense	معنی دادن، معقول بودن
Make-up	آرایش

Make up	آرایش کردن، تشکیل دادن
Man	مرد، انسان
Manage	مدیریت کردن
Management	مدیریت
Manager	مدیر
Mankind	انسان، نوع بشر
Mantle	(زمین شناسی) گوشته
Manufacture	تولید کردن، ساختن
Many	به تعداد زیاد
Map	نقشه
March	مارس (سومین ماه میلادی)
Mark	علامت، علامت زدن
Marriage	ازدواج
Married	متأهل
Marry	ازدواج کردن
Mass	انبوه، جرم
Master	استاد، ماهر
Masterpiece	شاهکار
Match	متصل کردن، وصل کردن، چوب کبریت
Material	ماده
Mathematics (math)	ریاضی
Mattress	تشک
May (aux. v.)	فعل کمکی به معنای ممکن بودن
May (n.)	مه (پنجمین ماه میلادی)
Maybe	شاید
Mayor	شهردار

Me (obj. pron.)	ضمیر مفعولی به معنای به من، مرا
Meal	وعده غذایی
Mean	اعتدال، میانه روی، خسیس، معنی دادن
Meaning	معنا، مفهوم
Means	وسیله
Measure	اندازه، اندازه گرفتن
Meat	گوشت
Mechanic	مکانیک
Mechanism	مکانیسم
Medal	مدال
Media	رسانه
Medicine	پزشکی، دارو
Meet	ملاقات کردن
Meeting	جلسه
Meet needs	نیاز (را) رفع کردن
Member	عضو
Membership	عضویت
Memorize	حفظ کردن
Memory	حافظه
Men	مردها
Mental	ذهنی، روانی
Mention	ذکر کردن، اشاره کردن
Merry	شاد، خوشحال
Message	پیام
Metal	فلز، فلزی
Meter	متر

Middle	میانه
Middle name	اسم میانه
Might (<i>past. Aux. v. May</i>)	
Mighty	توانا، مقتدر
Migrate	مهاجرت کردن
Migration	مهاجرت
Mild	ملایم، (آب و هوا) معتدل
Mile	مایل (واحد طول)
Milk	(لبنیات) شیر
Millennium	هزاره، هر هزار سال
Million	(عدد) میلیون
Mind	ذهن، خیال، مراقب بودن، اهمیت دادن
Mine	معدن، حفر کردن معدن، مین گذاری کردن
Mine (possess. pron.)	ضمیر ملکی به معنای مال من
Miner	معدن چی
Mineral	معدنی
Minibus	مینی بوس
Minister	وزیر
Ministry	وزارت، وزارت خانه
Mirror	آینه
Miss (title)	خانم (مجرد)
Miss	از دست دادن، دلتنگ شدن
Mission	مأموریت
(Make) mistake	اشتباه
Misunderstand	دچار سوء تفاهم شدن، اشتباه متوجه شدن
Misunderstanding	سوء تفاهم
Mix	مخلوط کردن

Mixed up	گیج
Model	مدل، مانکن
Modern	مدرن، پیشرفته
Moment	لحظه، ثانیه
Monkey	میمون
Mood	حوصله، خلق
Moon	(کره) ماه
Monday	دوشنبه
Money	پول، وجه
Month	ماه (شمسی، میلادی، قمری)، برج
More	بیشتر
Morning	صبح
Mosquito	پشه
Most	بیشترین
Mostly	اکثراً
Mother (mom)	مادر
Mother-in-law	مادر شوهر، مادر زن
Mother tongue	زبان مادری
Mountain	کوه
Mouse	موش
Mouth	دهان
Move	حرکت کردن
Movie	فیلم
Movies	سینما
Mr.	آقا
Mrs.	خانم (متأهل)

Ms. (title)	خانم (مجرد یا متأهل)
M.S. – MSc (Masters of Science)	
	مدرک فوق لیسانس در رشته‌های فنی مهندسی
Much	به مقدار زیاد
Mud	گل، لجن
Multimedia	چند رسانه
Murder	به قتل رساندن، کشتن
Murderer	قاتل
Muscle	ماهیچه
Museum	موزه
Mushroom	قارچ
Music	موسیقی
Musician	موسیقی دان
Muslim (Moslem)	مسلمان، تابع دین اسلام
Must (aux. v.)	فعل کمکی به معنی باید
My (possess. adj.)	صفت ملکی به معنای مال من
Myself (reflex. pron.)	ضمیر انعکاسی به معنای خودم
Mysterious	اسرارآمیز، مرموز
Mystery	رمز، راز

.....

N

Nail	ناخن
Narrate	روایت کردن
Narrator	راوی داستان
Narrow	باریک
Narrow-minded	کوته فکر

Nation	ملت	Newsstand	باجه روزنامه فروشی
National	ملی	Next	بعدی
Nationality	ملیت	Nice	خوب، زیبا
Native	بومی	Nice to meet you	از آشناییتان خوشحالم
Natural	طبیعی	Nick name	اسم مستعار
Nature	طبیعت	Niece	دختر برادر یا خواهر
Near	نزدیک	Night	شب
Nearly	تقریباً	No	نخیر، خیر، نه
Neat	تمیز، مرتب	Nobody	هیچکس
Necessary	لازم، ضروری	Noon	ظهر
Necessity	ضرورت، نیاز	No one	هیچکس
Neck	گردن	Norm	هنجار، قاعده
Need	احتیاج داشتن	Normal	عادی، معمولی
Neighbor	همسایه	Normality	عادی بودن
Nephew	پسر خواهر یا برادر	Nose	دماغ، بینی
Nerve	عصب	Not	نه، کلمه منفی ساز، نا
Nervous	عصبی، نگران	Not at all	به هیچ وجه، اصلاً
Nervousness	نگرانی	Nothing	هیچ چیز
Net	تار عنکبوت	Noun	اسم
Network	شبکه	No way	به هیچ وجه، اصلاً
Never	هرگز، هیچوقت	Noise	سر و صدا، شلوغی، پارازیت
Never mind	مهم نیست، فکرشم نکن	North	شمال
New	جدید، تازه	Northeast	شمال شرقی
News	اخبار	Northeastern	اهل یا مربوط به شمال شرقی
Newsgroup	گروه خبری	Northern	اهل یا مربوط به شمال
Newspaper	روزنامه	Northwest	شمال غربی

Northwestern	اهل یا مربوط به شمال غربی
Notice	توجه، توجه کردن
Novel	رُمان، داستان بلند
November	نوامبر (یازدهمین ماه میلادی)
Nine	(عدد) نه
Nineteen	(عدد) نوزده
Ninety	(عدد) نود
Number (No.)	شماره
Nun	راهبه
Nunnery	صومعه
Nurse	پرستار
Nursery	پرورشگاه
Nutrient	مواد غذایی

O

Oath	قسم، عهد
Obey	اطاعت کردن
Object	شیء، هدف، (گرامر) مفعول
Objective	مقصود، هدف
Obligation	اجبار، التزام
Obligatory	اجباری
Observe	مشاهده کردن
Observation	مشاهده
Ocean	اقیانوس
Oceania	(قاره) اقیانوسیه
Occasion	موقعیت

Occasionally	گاه گاهی
Occur	اتفاق افتادن
October	اکتبر (هشتمین ماه میلادی)
Odd	عجیب، نامتعارف، (عدد) فرد
Of	(حرف اضافه) از
Off (suffix)	نوعی پسوند، خاموش
Office	دفتر
Officer	افسر، مأمور
Official	رسمی
Officially	به صورت رسمی
Offline	آفلاین
Often	گاهی
Offer	پیشنهاد، پیشنهاد کردن
Oil	روغن
Okay (ok)	خوب، مناسب
Old	پیر، قدیمی، کهنه
Olive	زیتون
Olive oil	روغن زیتون
On	نوعی پسوند، روشن
Once	یک بار
Once more	بار دیگر
One	(عدد) یک
Onion	پیاز
Online	آنلاین
Only	فقط
On time	سر وقت، به موقع

Open	باز، باز کردن
Open-minded	روشن فکر
Operate	عمل کردن، راه انداختن
Operation	عمل، راه اندازی، عمل جراحی
Opinion	نظر، عقیده
Oppose	مخالفت کردن
Opposing idea	نظر مخالف
Opposite	متضاد
Optimism	خوش بینی
Optimist	خوش بین
Option	گزینه
Optional	اختیاری
Oral	دهانی، شفاهی
Orange	پرتقال، نارنجی
Orbit	چرخیدن
Order	سفارش، سفارش دادن
Organ	عضو، اندام
Organization (-sation)	سازمان
Organize (-nise)	سازمان دهی کردن، سازمان دادن
Other	دیگر، دیگری
Others	دیگران
[The] other day	پس فردا
Other than	به غیر از
Otherwise	در غیر اینصورت
Our (possess. adj.)	صفت ملکی به معنای مال ما
Ours (possess. pron.)	ضمیر ملکی به معنای مال ما

Ourselves (reflex. pron.)	ضمیر انعکاسی به معنای خودمان
Out	خارج، بیرون، نوعی پسوند
Outbox	صندوق خروجی پیام
Out of date	تاریخ گذشته
Out of order	خراب
Outside	خارج از، بیرون
Over	روی، بالای، سرتاسر، نوعی پسوند
Over and over	چندین بار، به کرات
Overcoat	اوور کت، بارانی
Overcome	غلبه کردن، فائق آمدن
Over there	آنجا
Own	داشتن، دارا بودن
Oxygen	اکسیژن

.....

P

Pace	سرعت
Pacific	آرام
Pack	بسته
Package	بسته
Packet	پاکت
Page	صفحه
Pain	درد
Painful	دردناک، رنج آور
Paint	رنگ، رنگ کردن، نقاشی کردن
Painter	نقاش، صورتگر
Painting	نقاشی

Pair	جفت، جفت کردن، جفت سازی
Pal	رفیق، دوست
Palace	کاخ، قصر
Panda	خرس پاندا
Pants	شلوار
Paper	برگه، کاغذ، کاغذی
Paradise	بهشت، پردیس
Parents	پدر و مادر، والدین
Park	پارک، پارک کردن
Parking	پارکینگ، ماندگاه
Parking lot	پارکینگ
Part	قسمت، جزء
Particular	خاص
Partner	شریک، یار، همسر
Part time	پاره وقت
Party	جشن، مهمانی، حزب
Pass	گذشتن، گذراندن
Passage	راه عبور، متن
Passenger	مسافر
Path	راه، معبر
Patience	صبر، شکیبایی
Patient	بیمار، صبور، شکیبا
Pattern	الگو
Pause	مکث، توقف، مکث کردن
Pay	پرداختن
Pay attention to	توجه کردن به

Payment	پرداخت
Peace	صلح، آرامش
Peak	قله (کوه)
Pedestrian	پیاده‌رو
Pen	خودکار
Penalty	جزا، جریمه
Pencil	مداد
Pencil-sharpener	مداد تراش
People	مردم، افراد
Pepper	فلفل
Percent	درصد، از قرار صدی
Percentage	درصد، برحسب درصد
Perfect	عالی، بی نظیر
Perform	اجرا کردن
Performance	اجرا
Performer	مجری
Perfume	عطر
Perhaps	شاید
Period	دوره، نقطه (.)
Permission	اجازه
Permit	اجازه دادن
Person	شخص، فرد
Personal	شخصی
Personally	شخصاً
Personality	شخصیت
Personnel	پرسنل، کارمندان

Pessimism	بدبینی	Planet	سیاره
Pessimist	بدبین	Plant	گیاه
Phase	فاز، مرحله	Plate	بشقاب
PhD – D Phil (Doctor of Philosophy)	مدرک دکتری	Play	بازی کردن، پخش کردن (موسیقی و غیره)
Phone	تلفن	Player	بازیکن
Phone number	شماره تلفن	Pleasant	خوشایند، دلنشین
Photograph	عکس	Please	لطفاً، خشنود کردن
Photographer	عکاس	Pleased	راضی، خشنود
Photography	عکاسی	Plenty (of)	به اندازه کافی
Physical	فیزیکی	Plural	جمع
Physician	پزشک	Pocket	جیب
Physics	فیزیک	Poem	(قطعه) شعر
Pick	برگزیدن	Poet	شاعر
Pick up	برداشتن	Poetry	شعر
Picnic	پیک نیک	Point	نکته، اشاره کردن
Piece	قطعه، اثر ادبی، اثر هنری	Police	پلیس
Pig	خوک	Police department	اداره پلیس
Pill	قرص	Policeman	مأمور پلیس
Pillow	بالشت	Police station	اداره پلیس
Pilot	خلبان	Policy	سیاست، رویه
Pink	صورتی	Polite	مودب
Pioneer	پیشرو، پیشگام	Politeness	ادب
Pizza	پیتزا	Politician	سیاست مدار
Place	جا، مکان، جا دادن، قرار دادن	Politics	سیاست
Plan	طرح، نقشه، برنامه، برنامه ریزی کردن	Pollute	آلوده کردن
Plane	هواپیما	Polluted	آلوده

Pollution	آلودگی	Preceding	قبل، اسبق
Poor	فقیر، بیچارہ	Precious	ارزشمند
Popular	محبوب	Predict	پیش بینی کردن
Popularity	محبوبیت	Prediction	پیش بینی
Populate	ساکن بودن	Prefer	ترجیح دادن
Populated	آباد، مسکون	Preferable	ارجح، دارای رجحان، برتر
Population	جمعیت	Preference	ترجیح، ارجحیت
Possibility	امکان پذیری، امکان	Prepare	آماده کردن
Possible	ممکن	Present (n.)	کادو، هدیه
Post	پُست، پُست کردن	Present (adj.)	حاضر، موجود
Postman	پُستچی	Present (v.)	تقدیم کردن
Post office	ادارہ پُست	Presentation	ارائه، تقدیم، کنفرانس
Posture	حالت، طرز ایستادن	Preserve	حفظ کردن، محافظت کردن
Pot	دیگ، کتری، ظرف	President	رییس، رییس جمهور
Potato	سیب زمینی	Press (n.)	خبرنگاری، مطبوعات
Pottery	سفال گری	Press (v.)	فشار دادن، فشردہ کردن
Pour	ریختن	Pressure	فشار
Poverty	فقر	Prestigious	با اعتبار، با حیثیت
Power	قدرت	Pretty	زیبا، نسبتاً
Powerful	قدرتمند	Prevent	جلوگیری کردن
Powerless	ناتوان	Prevention	جلوگیری
p.m.	(ساعت) بعد از ظهر	Previous	قبل
Practice	تمرین، تمرین کردن	Price	قیمت
Preach	موعظه کردن، نصیحت کردن	Pride	غرور
Preacher	واعظ	Priest	کشیش
Precede	مقدم بودن، اسبق بودن	Primary	ابتدایی

Prime	ابتدا، اول، نخست
Prime minister	نخست‌وزیر
Prior	قبلی، پیشین، مقدم
Priority	اولویت، برتری
Prison	زندان
Prisoner	زندانی
Privacy	تنهایی، خلوت، حریم خصوصی
Private	خصوصی
Prize	جایزه
Probability	احتمال
Probable	یحتمل، ممکن
Procedure	پروسه، روند، رویه
Process	پروسه، پردازش، پردازش کردن
Processor	پردازنده
Produce	تولید کردن
Producer	تولید کننده
Product	محصول
Production	تولید
Professional	حرفه‌ای
Professor	پروفسور، استاد
Profit	سود، منفعت
Program	برنامه، برنامه‌ریزی کردن، برنامه‌نویسی کردن
Progress	پیشرفت، پیشرفت کردن
Project	پروژه
Projector	پروژکتور، نورافکن
Promise	قول، قول دادن

Promote	بالا بردن، ارتقا بخشیدن
Promotion	ارتقا
Pronounce	تلفظ کردن، ادا کردن
Proper	مناسب
Properly	به طور مناسب
Prophet	پیامبر
Prospect	دورنما، چشم‌انداز
Prosperity	خوشبختی
Prosperous	موفق، کامیاب، خوشبخت
Protect	حمایت کردن
Protection	حمایت، پشتیبانی
Protector	حامی، پشتیبان
Protestantism	پروتستان (دومین مذهب دین مسیحیت)
Proud	مغرور
Prove	ثابت کردن
Provide	ارائه کردن، فراهم کردن
Provided that	به شرطی که، تحت شرایطی که
Psyche	روح، روان
Psychological	روانی، روانشناختی
Psychologist	روانشناس
Psychology	روانشناسی
Public	عمومی
Publish	نشر کردن
Publisher	ناشر
Pull	کشیدن
Pump	پمپ، پمپاژ کردن

Punish	تنبیه کردن
Punishment	تنبیه
Purchase	خرید، خریدن
Purple	بنفش
Purpose	مقصد، هدف
Purposeful	هدفمند، عمدی
Purposefulness	هدفمندی، تعمد
Purposeless	بی منظور، بیهوده
Purposelessness	بیهودگی، بی هدفی
Pursuit	تعقیب کردن، تعقیب و گریز
Push	فشار دادن
Put	گذاشتن
Put aside	کنار گذاشتن
Put on	پوشیدن
Puzzle	معما
Puzzled	سردرگم
Pyramid	هرم

Q

Qualify	واجد شرایط شدن، صلاحیت (کسی را) تعیین کردن
Quality	کیفیت
Quantity	کمیت
Quarter	رُبْع، یک چهارم
Queen	ملکه
Question	سوال، پرسش، سوال کردن، پرسیدن
Quick	سریع

Quickly	سریعا
Quiet	ساکت
Quince	(میوه) به، درخت به
Quit	ترک کردن
Quite	کاملاً، نسبتاً

.....

R

Rabbit	خرگوش
Race	نوع، نژاد
Rain	باران، باریدن
Rainy	(هوای) بارانی
Raise	بالا بردن، افزایش دادن
Range	دامنه
Rank	ارزیابی کردن
Rapid	سریع
Rapidly	به سرعت
Rare	کمیاب، نادر
Rarely	به ندرت
Rather	ترجیح دادن
Rather than	به جای
Rate	ارزیابی کردن
Reach	رسیدن
Reachable	قابل دسترس
React	عکس العمل نشان دادن
Reaction	عکس العمل
Read	خواندن

Ready	آماده	Refuse	رد کردن
Real	واقعی	Regard	توجه کردن، در نظر گرفتن
Reality	واقعیت	Regardless of	بدون توجه به، بدون در نظر گرفتن
Realize	فهمیدن	Region	منطقه، ناحیه
Really	واقعا	Relate	مربوط بودن
Reason	دلیل، برهان، استدلال کردن	Related to	مربوط به
Reasonable	منطقی، قابل قبول	Relationship	ارتباط، رابطه
Recall	یادآوری کردن	Relax	استراحت کردن
Receive	دریافت کردن	Release	آزاد کردن
Recent	اخیر	Relevant	مرتبط
Recently	اخیراً	Religion	دین، مذهب
Reception	پذیرش، دریافت	Religious	مذهبی، دینی
Receptionist	منشی	Rely	اعتماد کردن، بستگی داشتن
Record (n.)	رکورد، سابقه	Remember	به یاد آوردن
Record (v.)	ضبط کردن	Remove	حذف کردن، جابجا کردن
Recycle	بازیافت کردن	Renew	تازه کردن، نو کردن
Recycle bin	سطل زباله	Repair	تعمیر کردن
Red	قرمز	Repairman	تعمیرکار
Reduce	کاهش دادن، کاهش پیدا کردن	Repair shop	تعمیرگاه
Reduction	کاهش	Repeat	تکرار کردن
Refer	مراجعه کردن	Repetitive	تکراری
Referee	داور (مسابقه)	Replay	دوباره پخش کردن
Reference	ارجاع، منبع	Reply	پاسخ دادن
Reflect	بازتاب دادن، منعکس کردن	Report	گزارش، گزارش دادن
Reflection	انعکاس، بازتاب، پژواک	Reporter	گزارشگر
Reflex	بازتاب	Represent	نمایش دادن، نمایندگی کردن

Representative	نماینده
Reputation	شهرت، آبرو
Request	درخواست، درخواست کردن
Require	طلب کردن، لازم داشتن، لازم بودن
Rescue	نجات دادن
Research	تحقیق، تحقیق کردن
Researcher	محقق
Reserve	رزرو کردن
Reside	زندگی کردن، ساکن بودن، اقامت داشتن
Resident	ساکن، مقیم
Respect	احترام گذاشتن
Respond	پاسخ دادن
Responsible	مسئول، پاسخگو
Rest	استراحت کردن
Result (in)	نتیجه، نتیجه دادن، ختم شدن به
Retire	بازنشسته شدن
Retired	بازنشسته
Return	برگرداندن، برگشتن، پس دادن
Reward	جایزه، پاداش
Review	مرور کردن
Rhyme	(شعر) قافیه
Rhythm	ریتم، آهنگ
Rice	برنج
Rich	غنی، بی نیاز، پولدار
Ride	راندن (دوچرخه، موتورسیکلت، غیره)
Right	سمت راست، درست، صحیح

Right now	هم اکنون
Ring	حلقه، زنگ زدن
Ring a bell	یادآور بودن، به یاد آورنده چیزی بودن
Ripe	(میوه) رسیده، بالغ، جا افتاده
Rise	بالا آمدن، طلوع کردن
Risk	خطر، خطر کردن
Road	جاده
Rob	دزدیدن
Robber	سارق، دزد
Rock	سنگ
Rocky	سنگی
Role	نقش، وظیفه
Roll	پیچیدن، غلتیدن
Roof	سقف
Room	اتاق
Round	گرد، دایره
Row	خام
Rub	مالیدن، سائیدن
Rubber	پاک کن
Rubbish	آشغال، زباله
Rug	قالیچه
Ruin	خراب کردن، ویران کردن
Rule	قانون
Ruler	خط کش
Run	دویدن
Run away	فرار کردن

Runner	دوندہ
Run out of	تمام کردن
Rural	روستایی
Russia	روسیہ
Russian	روس، (زبان) روسی

S

Sad	ناراحت، غمگین
Safe	امن، مطمئن، گاو صندوق
Sail	کشتیرانی کردن
Sailor	دریانورد، خلبان، ناوی
Salad	سالاد
Salary	حقوق ماہیانہ
Sale	فروش
Salt	نمک
[The] same	یکسان، یکی
Sample	نمونہ
Sandwich	ساندویچ
Saturday	شنبه
Sauce	سس
Sausage	سوسیس
Save	ذخیرہ کردن، نجات دادن
Say	گفتن
Scarce	نادر، کمیاب
Scarcely	بہ ندرت
Scare	ترساندن، ترسیدن

Scarf	روسری، شال
Scene	صحنہ، سکانس
Schedule	برنامہ زمانی
Science	علم
Scientific	علمی
Scientist	دانشمند
Sea	دریا
Search	جست و جو کردن
Seaside	ساحل، کنار دریا
Season	فصل
Seat	صندلی
Second	دوم، دومین، ثانیہ
Secret	راز، سر
Secretary	منشی
Security	امنیت
See	دیدن
Seed	دانہ
Seek	جست و جو کردن
Seem	بہ نظر رسیدن، بہ نظر آمدن
Seldom	بہ ندرت
Self	خویش، خویشتن، خود
Sell	فروختن
Semester	نیمسال تحصیلی، ترم
Send	فرستادن
Sense	حس، ادراک، حواس پنجگانه، معنی
Sentence	جملہ

Separate (adj.)	جدا	Shelf	قفسه
Separate (v.)	جدا کردن	Shepherd	چوپان
September	سپتامبر (نهمین ماه میلادی)	Shine	درخشیدن
Series	(فیلم) سریال	Ship	کشتی
Serious	جدی	Shipping	کشتیرانی، بارگیری، ناوگان
Servant	خدمتکار	Shirt	پیراهن
Serve	خدمت کردن	Shock	سراسیمه شدن
Server	خدمت گذار، خدمتکار، سرور	Shocked	متعجب، حیرت زده
Service	سرویس	Shocking	حیرت آور
Set (n.)	دستگاه، مجموعه	Shone (past. Shine)	
Set (v.)	تنظیم کردن، نصب کردن، چیدن (میز و غیره)	Shoot	شلیک کردن
Seven	(عدد) هفت	Shop	فروشگاه، خرید کردن
Seventeen	(عدد) هفده	Shopping	خرید
Seventy	(عدد) هفتاد	Shopkeeper	فروشنده، مغازه دار
Several	چندین، متعدد	Short	کوتاه
Severe	سخت، محکم، سختگیر	Should (past. Shall)	باید
Shake	لرزیدن	Shout	فریاد زدن
Shall	فعل کمکی جهت استفاده در زمان آینده به معنی باید	Show	نمایش، نمایش دادن
Shame	خجالت کشیدن	Shut	بستن
Shape	شکل، قالب	Sibling	خواهر و برادر
Share	تقسیم کردن، شریک شدن، سهم	Sick	بیمار
Shark	نهنگ	Side	کنار، جنب
Sharp	تیز، برنده	Sidewalk	پیاده رو
She (subj. pron.)	ضمیر فاعلی به معنای او (زن)	Sight	قوه بینایی، حس بینایی
Sheep	گوسفند	Sign	نشانه، علامت، امضا کردن، علامت گذاری کردن
Sheet	برگه، ورقه	Signature	امضا
		Significant	مهم، قابل توجه

Silence	سکوت	Skin	پوست
Silent	ساکت	Skip	از قلم انداختن
Silk	ابریشم	Skirt	دامن
Silly	احمق، احمقانه	Sleep	خوابیدن
Silver	نقره، (رنگ) نقره ای	Sleepy	خواب آلود
Similar	مشابه	Slept (<i>past. Sleep</i>)	
Simple	ساده	Slice	تکه
Since	از، از زمانی که، چون	Slow	آهسته
Sing	آواز خواندن	Slow down	کم کردن سرعت
Singer	خواننده	Slowly	به آهستگی
Single	مجرد، تک	Slum	محله‌های فقیرنشین
Singular	مفرد	Small	کوچک
Sir (title)	آقا	Smart	هوشمند، باهوش، زرنگ
Sister	خواهر	Smell	بوئیدن، بو، حس بویایی
Sister-in-law	خواهر شوهر، خواهر زن، زن برادر، جاری	Smile	لبخند زدن
Sit	نشستن	Smoke	دود، سیگار کشیدن
Site	مکان، مقر، جا	Smooth	نرم، لطیف
Six	(عدد) شش	Snake	مار
Sixteen	(عدد) شانزده	Snow	برف، برف باریدن
Sixty	(عدد) شصت	Snowy	برفی
Size	اندازه	So 1	پس، بنابراین
Skeleton	اسکلت	So 2	زیاد، خیلی
Skating	اسکیت بازی	So 3	همچنین، همینطور
Skiing	ورزش اسکی	Soap	صابون
Skill	توانایی، مهارت	Soccer	فوتبال
Skillful	ماهر، توانا، کاردان	Social	اجتماعی
		Society	اجتماع، جامعه

Sociologist	جامعه‌شناس	Speak	حرف زدن، صحبت کردن
Sociology	جامعه‌شناسی	Special	مخصوص
So far	تا به اینجا، تاکنون	Specially	مخصوصاً
So long	(هنگام خداحافظی) قربانت	Specific	مشخص
Solve	حل کردن	Specifically	مشخصاً
Some	تعدادی	Specify	مشخص کردن
Somebody (sb)	کسی، کسی را	Speed	سرعت
Some more	کمی دیگر	Spell	هجی کردن
Something (sth)	چیزی، چیزی را	Spend	(وقت) گذراندن
Sometimes	گاهی اوقات	Spider	عنکبوت
Somewhere	جایی، جایی را	Spoon	قاشق
[In] some ways	به نحوی	Sport	ورزش
Son	فرزند پسر	Spot	جا، مکان، لکه
Son-in-law	داماد	Spread	توسعه دادن، پخش کردن، بسط دادن
Song	آواز	Spring	فنر، (فصل) بهار
Sorry	متأسف	Spy	جاسوس
Sort	نوع، جنس، مرتب کردن	Square	مربع، میدان
Soup	سوپ	Stable	پایدار، ثابت
South	جنوب	Stairs	پله، راه پله
Southeast	جنوب شرقی	Stand	ایستادن
Southeastern	اهل یا مربوط به جنوب شرقی	Star	ستاره
Southern	اهل یا مربوط به جنوب	Stare	دیدن، خیره شدن
Southwest	جنوب غربی	Start	شروع کردن، آغاز کردن
Southwestern	اهل یا مربوط به جنوب غربی	Starter	آغازگر، مبتدی، پیش غذا
Space	فضا، مکان	State	وضعیت، بیان کردن
Spacecraft (spaceship)	فضاپیما	Statement	عبارت، بیان، حکم

Statue	مجسمه	Stranger	غریبه
Stay	ماندن	Strategy	استراتژی
Steal	دزدیدن، سرقت کردن	Stream	جریان، جوی، جویبار
Steam	بخار	Stretch	کشیدن، منبسط کردن
Steering wheel	فرمان اتومبیل	Strike	حمله کردن، ضربه زدن، اصابت کردن
Step	گام، قدم، مرحله	Strong	قوی
Stepbrother	برادر ناتنی (هم از پدر و هم از مادر جدا)	Struggle	نبرد، مبارزه، مبارزه کردن
Step by step	قدم به قدم، مرحله به مرحله	Student	دانش آموز، دانشجو
Stepdaughter	دختر خوانده، نادختری (دختر زن یا دختر شوهر)	Stupid	احمق
Stepfather	ناپدری	Style	سبک
Stepmother	نامادری	Stylish	شیک، زیبا
Stepsister	خواهر ناتنی (هم از پدر و هم از مادر جدا)	Subject	موضوع، (گرامر) فاعل
Stepson	پسر خوانده، ناپسری (پسر زن یا پسر شوهر)	Substitute	جایگزین کردن
Steward	مباشّر، خدمه	Substitution	جایگزینی
Stick	چوب، عصا	Subway	مترو
Still	هنوز	Subway station	ایستگاه مترو
Stomach	(بدن) شکم	Succeed	موفق شدن
Stomachache	شکم درد	Succeeding	بعدی
Stone	سنگ	Success	موفقیت
Stop	ایستادن، متوقف شدن، متوقف کردن	Successful	موفق
Store	مغازه، ذخیره کردن، انبار کردن	Sudden	غیر منتظره، ناگهان
Storm	طوفان	Suddenly	ناگهان
Story	داستان	Suffer	رنج بردن
Storytelling	روایت داستان، داستان سرایی	Sufficient	کافی
Straight	مستقیم	Sugar	شکر
Strange	غریب، عجیب	Suggest	پیشنهاد کردن، اظهار کردن

Suggestion	پیشنهاد
Suit	مناسب بودن، کت و شلوار
Suitable	مناسب
Summarize	خلاصه کردن
Summary	خلاصه
Summer	(فصل) تابستان
Summit	اوج، قله
Sun	خورشید، آفتاب
Sun bath	حمام آفتاب
Sunday	یکشنبه
Sunglasses	عینک آفتابی
Sunrise	طلوع آفتاب
Sunset	غروب آفتاب
Sunny	آفتابی
Superior	برتر، بالاتر، بهتر
Supermarket	سوپر مارکت
Support	حمایت کردن
Suppose	فرض کردن
Surname	نام خانوادگی
Surprise	شگفت زده کردن، غافلگیر کردن
Surrounding	اطراف
Survive	زنده ماندن
Swallow	قورت دادن، بلعیدن
Swam (<i>past. Swim</i>)	
Switch	تغییر دادن
Swim	شنا کردن
Swimming	ورزش شنا

Synonym	مترادف
System	سیستم

.....

T

Table	میز، جدول
Table cloth	رومیزی
Tail	(بدن) دُم
Tailor	خیاط (مردانه)
Take	بردن، برداشتن، گرفتن، (قرص) خوردن
Take back	برگرداندن
Take care	مراقبت کردن
Take off	(لباس) در آوردن
Take part in	شرکت کردن در، نقش داشتن در
Take place	اتفاق افتادن، واقع شدن
Take sth./sb. Seriously	چیزی یا کسی را جدی گرفتن
Tale	داستان، افسانه
Talk	حرف زدن
Tall	بلند، قد بلند
Tap	ضربه، شیر آب
Tape	نوار
Task	تکلیف، کار، وظیفه
Taste	چشیدن، مزه کردن، حس چشایی
Taxi	تاکسی
Taxi driver	راننده تاکسی
Teach	تدریس کردن
Teacher	مدرس، معلم

Team	تیم	Thief	دزد، سارق
Tear	اشک	Thin	لاغر
Teenager	نوجوان	Think	فکر کردن، تصور کردن
Teeth (<i>plural. Tooth</i>)	دندان ها	Third	سوم، سومین
Technology	تکنولوژی، فناوری	Thirsty	گرسنه
Telephone number	شماره تلفن	Thirteen	(عدد) سیزده
Television	تلویزیون	Thirty	(عدد) سی
Tell	گفتن	This	(صفت اشاره به نزدیک مفرد) این
Tell a joke	جوک گفتن	Those	(صفت اشاره به دور جمع) آن ها
Temperature	دما	Though	اگرچه
Ten	(عدد) ده	Thought (<i>past. Think</i>)	(در حالت اسمی) فکر، اندیشه
Terrible	وحشتناک، خیلی بد	Thousand	(عدد) هزار
Term	واژه	Three	(عدد) سه
Than	از	Through	از میان، از وسط
That	(صفت اشاره به دور مفرد) آن، که	Throw	پرتاب کردن
The	حرف تعریف معین	Thumb	(بدن) انگشت شصت
Theater	تئاتر	Thursday	پنجشنبه
Their (<i>possess. adj.</i>)	صفت ملکی به معنای مال آنها	Thus	پس، بنابراین، با این حساب
Theirs (<i>possess. prep.</i>)	ضمیر ملکی به معنای مال آنها	Ticket	بلیط
Them (<i>obj. pron.</i>)	ضمیر مفعولی به معنی آنها را، به آنها	Tiger	ببر
Themselves (<i>reflex. pron.</i>)	ضمیر انعکاسی به معنای خودشان	Tight	تنگ
There	آنجا، وجود داشتن	Tile	کاشی، موزائیک
Therefore	پس، بنابراین	Till	تا
The rest	بقیه، ادامه	Time	زمان، وقت، دفعه، بار
These	(صفت اشاره به نزدیک جمع) این ها	Tiny	ریز، کوچک
They (<i>subj. pron.</i>)	ضمیر فاعلی به معنای آنها	Tiptoe	نوک پنجه

Tire	خسته کردن، لاستیک، تایر	Town	شهر
Tired	خسته	Tower	برج، ساختمان بلند
Tissue	دستمال کاغذی	Toy	اسباب بازی
Title	عنوان، لقب	Trace	رد پا، تعقیب کردن
To	به، برای، علامت مصدر	Track	مسیر، نشانه، رد پا، تعقیب کردن
Today	امروز	Trade	تجارت، تجارت کردن
Toe	پنجه	Train	قطار، آموزش دادن
Together	با هم	Trainer	مربی
Tomato	گوجه فرنگی	Train station	ایستگاه قطار
Tomorrow	فردا	Transfer	منتقل کردن
Ton	(واحد وزن) تُن	Translate	ترجمه کردن
Tone	تن صدا، لحن، درجه صدا	Translator	مترجم
Tongue	(بدن) زبان	Transport	حمل و نقل کردن، نقل و انتقال کردن
Too	همچنین، زیاد، خیلی	Transportation	حمل و نقل
Tool	ابزار، وسیله	Trash	زباله
Tooth	دندان	Travel	مسافرت کردن
Toothbrush	مسواک	Traveler	مسافر
Toothpaste	خمیر دندان	Treat	رفتار کردن، درمان کردن
Top	برتر، بالا	Tree	درخت
Topic	موضوع	Trial	آزمایش، محاکمه، آزمایش کردن
Touch	لمس کردن، دست زدن، حس لامسه	Triangle	مثلث
Tour	سفر، مسافرت، مأموریت	Trick	حقه، کلک، فریب دادن
Tourism	جهانگردی	Trip	مسافرت
Tourist	مسافر، جهانگرد	Trouble	دردسر، مصیبت، سختی
Toward	به طرف، به سمت	Trousers	شلوار
Towel	حوله	Truck	کامیون

True	درست، صحیح
Trust	اعتماد کردن
Trustworthy	قابل اعتماد
Truth	واقعیت
Truthful	درست، واقعی
Try	امتحان کردن، تلاش کردن
Tuesday	سه شنبه
Turn	چرخیدن، تبدیل شدن
Turn in	تحویل دادن (جنس، تکلیف منزل و غیره)
Turning point	نقطه عطف
Turn into	تبدیل شدن به
Turn off	خاموش کردن
Turn over	(کتاب) برگرداندن صفحه
Turn up	(صدا) زیاد کردن، بالا بردن
Twelve	(عدد) دوازده
Twenty	(عدد) بیست
Twice	دو بار، دو دفعه
Twilight	سپیده دم
Twin	دو قلو
Two	(عدد) دو
Two-faced	دو رو
Type	نوع، جنس، تایپ کردن
Typical	نمونه نوعی، نوعی
Typist	ماشین نویس
Tyre (tire)	تایر، لاستیک

U

Unacceptable	غیرقابل قبول
Unbutton	باز کردن دکمه لباس
Uncle	عمو، دایی، شوهر خاله، شوهر عمه
Unconscious	بی هوش، ناآگاه
Undesirable	نامطلوب، ناخوشایند
Understand	متوجه شدن، فهمیدن
Undoubtedly	بدون شک
Unemployment	بیکاری
Unfortunately	متأسفانه
Union	اتحاد
Unique	یکتا
Unit	واحد
Unite	متحد کردن
United	متحد
Universe	جهان، گیتی
University	دانشگاه
Unlimited	نامحدود
Unreadable	غیرقابل خواندن
Unsafe	ناامن
Until	تا، تا اینکه
Unusual	غیرعادی
Up	بالا
Update	به روز کردن
Upgrade	ارتقا دادن

Upper	بالایی، بالا دستی، فوقانی
Upset	ناراحت، ناراحت کردن
Upstairs	طبقه بالا
Urban	شهری
Us (obj. pron.)	ضمیر مفعولی به معنای به ما، ما را
Usage	کاربرد
Use	استفاده کردن، بهره بردن
(To be) used to	عادت کرده
Useful	مفید
Using	با استفاده از
Usual	معمول
Usually	معمولاً
Utter	ادا کردن، گفتن

V

Vacation	تعطیلات
Vacuum	خلأ، جارو برقی کشیدن
Vacuum cleaner	جارو برقی
Valley	دره
Valuable	ارزشمند، با ارزش
Value	ارزش، ارزش دادن
Variety	تنوع
Various	متنوع
Vary	تفاوت داشتن
Vast	وسیع، گسترده، پهناور
Vehicle	وسیله نقلیه

Vessel	(بدن) رگ
Via	از طریق، بوسیله
Vice president	نایب رئیس، معاون
Video	ویدئو، تصویری
View	دیدن، مشاهده کردن، منظره
Viewer	بیننده
Village	روستا، دهکده
Visible	قابل دیدن، قابل مشاهده، مرئی
Vision	بینایی، بصیرت
Visit	ملاقات کردن
Vital	حیاتی
Vocabulary	لغت، واژه
Vocation	کار، پیشه، حرفه
Voice	صدا
Volleyball	ورزش والیبال
Volume	میزان صدا، (کتاب) جلد
Voluntary	داوطلبانه، عمدی، ارادی
Volunteer	داوطلب
Vote	رأی، رأی دادن

W

Wage	حقوق، دستمزد
Wagon	واگن
Waist	(بدن) کمر
Wait (for)	منتظر بودن، منتظر ماندن
Waiter	پیش خدمت (مرد)

Waitress	پیش خدمت (زن)	Weapon	اسلحه
Wake up	بیدار شدن	Wear	پوشیدن
Walk	راه رفتن، قدم زدن	Weather	آب و هوا
Wall	دیوار	Weather forecast	پیش بینی وضع هوا
Wallet	کیف پول	Weatherman	هواشناس
Wander	پرسه زدن، راه رفتن	Weave	بافتن
Want	خواستن	Web	شبکه، اینترنت
War	جنگ، نزاع	Wedding	عروسی، مراسم عروسی
Warm	گرم	Wednesday	چهارشنبه
Warmth	حرارت، گرما	Week	هفته
Warn	هشدار دادن، آگاه ساختن	Weekday	روز کاری هفته
Warning	هشدار	Weekend	آخر هفته
Warrior	جنگجو	Weep	(زبان ادبی) گریه کردن
Was (to be)	بودم، بود	Weigh	وزن کردن، کشیدن
Wash	شستن	Weight	وزن
Washing machine	ماشین لباسشویی	Welcome	خوش آمد گویی، استقبال کردن
Waste	هدر دادن	Well (adv.)	به خوبی
Watch	ساعت مچی، تماشا کردن	Well-done	آفرین
Water	آب	Went (past. Go)	
Watery	آبکی	Were (to be)	بودیم، بودی، بودید، بودند
Wave	موج	West	غرب
Way	راه، روش	Western	اهل یا مربوط به غرب
We (subj. pron.)	ضمیر فاعلی به معنای ما	Wet	خیس، مرطوب
Weak	ضعیف	Whale	وال، نهنگ
Weaken	ضعیف کردن	What	چه؟ چه چیزی؟ چه چیزی را؟
Wealth	ثروت	Whatever	هرآنچه، هرچه
		What if	چه می شود اگر؟

What time?	چه زمانی؟ در چه ساعتی؟	Will (aux. v.)	فعل کمکی جهت استفاده در چهار زمان آینده
Wheat	گندم	Will (n.)	قصد، نیت، وصیت
Wheel	چرخ	Willing (adj.)	راغب، مایل
When	چه زمانی؟ زمانی که	Win	برنده شدن
Whenever	هر وقت	Wind	باد
Where	کجا؟ جایی که	Window	پنجره
Whereas	از آنجائیکه، در حالیکه	Windshield	شیشه جلوی اتومبیل
Wherever	هر جا	Windshield wiper	برف پاک کن اتومبیل
Whether	آیا، چه	Windy	(آب و هوا) باد خیز، طوفانی
Which	چه چیزی؟ کدام یک؟ (همان) که	Winner	برنده
Whichever	هر کدام	Winter	(فصل) زمستان
While	در حالیکه	Wire	سیم
Whisper	زمزمه کردن	Wireless	بی سیم
White	سفید	Wise	باهوش، عاقل
Who	چه کسی؟ کسی که	Wish	آرزو کردن، خواستن
Whoever	هر آن کس که، هر کسی که	With	با
Whole	تمام، کامل، همه	Within	در بین
Whom	چه کسی را؟ کسی که	Without	بدون
Why	چرا؟ چطور مگه؟	Wolf	گرگ
Wide	پهن، عریض، گشاد	Woman	زن
Widespread	گسترده، وسیع، پخش، همه گیر	Women	زن ها
Width	عمق، ژرفا	Wood	چوب
Widow	بیوه	Wooden	چوبی
Wife	همسر (زن)	Woods	جنگل
Wild	وحشی	Wonder	شگفتی، تعجب کردن
Wildlife	حیات وحش	Wonderful	عجیب، شگفت آور

Word	واژه، کلمه، لغت
Work	کار کردن
Worker	کارگر
World	جهان، دنیا
Worm	(حیوان) کرم
Worried	نگران
Worry about	نگران بودن درمورد
Worse	بدتر
Worsen	بدتر شدن، بدتر کردن
Worship	عبادت کردن
[The] worst	بدترین
Would (aux. v.) (past. aux. v. Will)	
Wrestle	کشتی گرفتن
Wrestler	کشتی گیر
Wrist	(بدن) مچ
Write	نوشتن
Writer	نویسنده
Written	مکتوب

Y

Yard	حیاط
Yawn	خمیازه کشیدن
Yeah	آره، اوهوم
Year	سال، سنه
Yearly	سالانه
Yell (at)	فریاد زدن (بر)

Yellow	(رنگ) زرد
Yes	بله
Yesterday	دیروز
Yet	هنوز، تاکنون
You (subj. & obj. pron.)	
ضمیر فاعلی و مفعولی به معنای تو، شما، تو را، به تو، شما را، به شما	
Young	جوان
Your (possess. adj.)	صفت ملکی به معنای مال تو و مال شما
Yours (possess. pron.)	ضمیر ملکی به معنای مال تو و مال شما
Yourself (reflex. pron.)	ضمیر انعکاسی به معنای خودت
Yourselves (reflex. pron.)	ضمیر انعکاسی به معنی خودتان
Youth	جوانی، شباب

Z

Zebra	گورخر
Zero	(عدد) صفر
Zip code	کد پستی
Zone	ناحیه، منطقه
Zoo	باغ وحش

گردآوری و تدوین: علیرضا اژدرپور

شماره تماس: ۰۹۱۱ ۸۸۱ ۰۹۶۶

(گیلان - بندرآستارا)